

پایان ناگهانی دوران اسلوت  
ورویای گمشده لیورپول ها  
شوک آنفیلد

نازنین دشتی

در شبی که تمام نگاه‌ها به مستطیل سبز و نبرد نهایی لیگ قهرمانان اروپا دوخته شده بود، خبری چون صاعقه بر پیکر فوتبال جهان فرود آمد و قلب میلیون‌ها هوادار لیورپول را به لرزه در آورد. در اوج هیجان فینال، ظهر روز نهم خرداد ۱۴۰۵، بیانه‌های رسمی از سوی باشگاه لیورپول منتشر شد که به ناگهان پرده از پایان دوران آرنه اسلوت، سرمربی هلندی برداشت. این خبر نه تنها غیرمنتظره بود، بلکه با زمان اعلامش، رنگ و بویی از درام و تلخی به خود گرفت؛ گویی تاریخ می‌خواست یکبار دیگر ثابت کند که در فوتبال، هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست و سرنوشت، گاه بی‌رحمانه ورق می‌خورد.

آرنه اسلوت، وارث نیمکت سنگین یورگن کلوپ کبیر، در بدو ورودش به آنفیلد، با کوله‌باری از امید و انتظارات روبه‌رو شد. فصل اول حضورش، روایی بود؛ لیورپول تحت هدایت او، نه تنها توانست زخم‌های جدایی کلوپ را التیام بخشد، بلکه با نمایش مقتدرانه، جام قهرمانی لیگ برتر را بالای سر برد. او در آن سال، خود را جانشینی شایسته برای مربی افسانه‌ای نشان داد و هواداران فرم‌های مرسی‌ساید را به اینده‌ای روشن امیدوار کرد. شور و هیجان در آنفیلد موج می‌زد و به نظر می‌رسید اسلوت، قطعه گمشده پازل موفقیت‌های آتی لیورپول است.

اما فوتبال، روی دیگری هم دارد؛ روی بی‌رحم و غیر قابل پیش‌بینی. فصل دوم، از همان ابتدای دیدگی می‌داد. تیمی که فصل قبل چون ماشینی روغن‌کار شده کار می‌کرد، این بار با فراز و نشیب‌های بی‌پایان دست و پنجه نرم کرد. لیورپول، قهرمان فصل گذشته، در رقابت‌های لیگ برتر به رتبه پنجم سقوط کرد و تنها در هفته‌های پایانی، با تلاشی نفس‌گیر و با چنگ و دندان، موفق شد سهمیه لیگ قهرمانان اروپا را حفظ کند. این نتایج، هرچند برای بسیاری از تیم‌ها قابل قبول بود، اما برای لیورپول، باشگاهی با استانداردهای قهرمانی، به معنای شکستی تلخ و فصولی ناامیدکننده بود. مدیران باشگاه، در بین‌های مشترک، ضمن قدرانی از زحمات اسلوت و تأکید بر تأثیر او در موفقیت‌های دو سال اخیر، به صراحت اعلام کردند: «این تصمیم برای باشگاه آسان نبود. آرنه در مدت حضورش در لیورپول تأثیری قابل توجه و ماندگار بر جای گذاشت اما زمان تغییر فرا رسیده است.» این کلمات هر چند دیپلماتیک، اما حامل پیامی روشن بودند: دوران آرنه اسلوت به پایان رسیده است.



این تصمیم، برای بسیاری از هواداران لیورپول، دیر هنگام بود. زمزه‌ها حاکی از آن بود که اگر این تغییر زودتر صورت می‌گرفت، شاید فرصت طلایی همکاری با ژاوی آلونسو، ستاره سابق و مربی جوان و موفق، از دست نمی‌رفت. آلونسو، با نمایش خیره‌کننده‌اش در باور لیور کوزن، قلب بسیاری از هواداران را ربوده بود و بازگشتش به آنفیلد، روایی شیرین به نظر می‌رسید. اما حالا، او هدایت چلسی را بر عهده گرفته و گزینه‌های لیورپول محدودتر شده‌اند. در این میان، نام آندونی ایرنولا، سرمربی اسپانیایی بورنموث، بیش از سایرین به گوش می‌رسد. ایرنولا، با هدایت تیمی چون بورنموث و رساندن آن تیم به رقابت‌های اروپایی، فراتر از انتظار ظاهر شده و حالا نگاه‌های امیدوار آنفیلد به سوی اوست. آیا او جایی جدید خواهد بود؟ فصل دوم اسلوت، تنها با نتایج ناامیدکننده همراه نبود؛ گزارش‌های متعددی از نارضایتی برخی بازیکنان از شرایط فنی تیم به گوش می‌رسید. انتشار پستی مبهم از سوی محمد صلاح، ستاره بی‌چون و چرای تیم در شبکه‌های اجتماعی، به شایعات پیرامون اختلافات داخلی دامن زد و فضای تیم را بیش از پیش متشنج کرد. لیورپول که تاستان گذشته با هزینه‌های سنگین در بازار نقل و انتقالات، رکورد جدیدی در لیگ برتر به ثبت رسانده بود، نتوانست انتظارات را برآورده کند. صرف حدود ۴۴۶ میلیون پوند برای جذب بازیکنانی چون الکساندر ایساک، فلوریان ویرتس، جرمی فریمپوینگ و میلوش کرکیز، در ابتدا نوبدبخش تیمی قدرتمند و مدعی دفاع از عنوان قهرمانی بود. اما مصدومیت‌ها و افت عملکرد، باعث شد بسیاری از این خریدهای گران‌قیمت، نتوانند در قامت یک ستاره ظاهر شوند.

در میان این همه ناگامی، هوگو آکیتیکه، مهاجم فرانسوی، تنها نقطه روشن لیورپول در این فصل بود. او پیش از آنکه در ماه آوریل دچار پارگی رباط صلیبی شود، ۱۷ گل در تمامی رقابت‌ها به ثمر رسانده بود؛ مصدومیتی که نه تنها فصل او را به پایان رساند، بلکه امیدهایش برای حضور در جام جهانی ۲۰۲۶ را نیز نقش بر آب کرد و به نماندی از بدشانسی و فصل تلخ لیورپول تبدیل شد.

اسلوت در حالی نیمکت لیورپول را ترک کرد که آمارش در فصل اخیر، حکایت از فصلی پر از شکست داشت. در ۵۷ مسابقه، تنها ۲۸ برد، ۲۰ شکست و ۹ تساوی در کارنامه او دیده می‌شود؛ آمار که نشان می‌دهد او در کمتر از ۱۰ درصد بازی‌ها موفق به کسب پیروزی شده است. این اعداد و ارقام، به وضوح نشان می‌دهند که زمان تغییر فرا رسیده است. پس از دو فصل حضور در لیگ برتر انگلیس، ماجراجویی او در آنفیلد به پایان رسیده و حالا زمزمه‌هایی از بازگشت احتمالی او به رقابت‌های باشگاهی هلند به گوش می‌رسد. جایی که شاید بتواند دوباره جادوی خود را به نمایش بگذارد.

پایان دوران اسلوت، فصلی پر از امیدهای بر باد رفته و رویاهای ناتمام را برای هواداران لیورپول رقم زد. اما تاریخ آنفیلد نشان داده که این باشگاه، هرگز تسلیم نمی‌شود. حالا، با ناگهانی به‌پایانده‌ی چشمانی که به سمت آندونی ایرنولا دوخته شده، فرم‌های مرسی‌ساید آماده فصلی جدید و فصلی نواز تلاش برای بازگشت به اوج هستند. آیا طلوعی دوباره در انتظار آنفیلد خواهد بود؟

تاج‌گذاری دوباره پاریس و بیداری اشباح ۲۰۰۶ برای آرسنال  
جادوی بوداپست

آرناطری

پوشاکش آرنه شنبه‌شب تنها یک ورزشگاه نبود؛ مسلخی بود برای رویاها و محرابی برای رستگاری. وقتی مارتن نفس‌گیر و فرساینده ۱۲۰ دقیقه‌ای در قلب بوداپست به پایان رسید و سوت داور، سرنوشت فینال لیگ قهرمانان اروپا را به ضیافت بی‌رحم و نفس‌گیر پاریس هدایت کرد، در نفس‌ها در سینه میلیون‌ها بیننده حبس شد. در یک سو، پاریس لوئیس انریکه با صلابتی از جنس پادشاهان ایستاده بود و در سوی دیگر، آرسنال میکل آرتتا که بار سنگین یک تاریخ حسرت و ناگامی را روی شانه‌های خسته‌اش می‌کشید. ضربات پاریس، این قمار بی‌رحمانه فوتبال، همیشه یک روی سکه را به سوی روشنایی و رستگاری و روی دیگر را به اعماق تاریکی و نابودی پرتاب می‌کند. شنبه شب، سکه سرنوشت برای دومین سال بیابایی به نام پاریس‌ژرمن چرخید تا آنها فاتح بلانزاع لیگ قهرمانان شوند و برای آرسنال، چیزی جز تکرار یک کابوس قدیمی، سکوت مرگبار سکوها و اشک‌های بی‌پایان باقی نماند.

پاریس‌ژرمن با فتح دوباره لیگ قهرمانان، به تمام منتقدان ثابت کرد که دیگر آن پروژه صرفاً فنی نیست. دفاع از عنوان قهرمانی در فرمت بی‌رحم و جدید لیگ قهرمانان اروپا، دستاوردی است که تا پیش از این تنها نال مادرید پادشاه اروپا موفق به انجام آن شده بود. لوئیس انریکه، معمار این رنسانس بزرگ، تیمی ساخته است که دیگر به نبوغ لحظه‌ای ستاره‌های مغرور وابستگی ندارد، بلکه بر پایه یک سیستم پولادین، ذهنیت برنده‌خواه و انضباط تیمی استوار است.

پاریس‌ژرمن با فتح دوباره لیگ قهرمانان، به تمام منتقدان ثابت کرد که دیگر آن پروژه صرفاً فنی نیست. دفاع از عنوان قهرمانی در فرمت بی‌رحم و جدید لیگ قهرمانان اروپا، دستاوردی است که تا پیش از این تنها نال مادرید پادشاه اروپا موفق به انجام آن شده بود.

اتفاق روز

امیر قلعه‌نویی این روزها سپر بهانه‌ها را بالا برده است

سقوط آزاد وعده‌ها

نگار رشیدی

ساعت شنی جام جهانی ۲۰۲۶ در سرعت در حال خالی شدن است و در حالی که تنها کمتر از دو هفته تا سوت آغاز رقابت‌ها باقی مانده، نوبت عجیبی از اردوی تیم ملی به گوش می‌رسد؛ نوبتی شبیه به مرثیه‌ای برای وعده‌های فراموش شده. تیم ملی ایران در گروه «G» در کنار بلژیک، مصر و نیوزیلند قرار گرفته است؛ گروهی که بیشتر به یک موهبت آسمانی

و خوش اقبالی تاریخی شبیه است تا یک قرعه سخت جهانی باین



پاریس‌ها در برابر پرس خفه‌کننده و حملات همه‌جانبه آرسنال، بارها تحت فشار قرار گرفتند، اما خم به ابرو نیاوردند و سلسلته خود را حفظ کردند. آنها در ضربات پاریس، با خونسردی قاتلانه فرح‌های، توپ‌ها را یکی پس از دیگری به تور دروازه توپچی‌ها دوختند تا پایتخت فرانسه برای دومین سال متوالی غرق در نور و جشن شود. این پاریس، دیگر تیمی نیست که در شب‌های بزرگ کم‌بیاورد و تسلیم اضطراب شود؛ آنها حالا به یک «سلسله» تبدیل شده‌اند؛ امپراتوری جدیدی که با اقتدار، تاج پادشاهی اروپا را بر سر نگه داشته است و خط و نشانی جدی و ترسناک برای تمام غول‌های قاره سبز کشیده است.

اما در سمت سرخ‌پوش میدان، تراژدی دردناک و ویرانگری در حال رقم‌خوردن بود. آرسنال که با قهرمانی در لیگ برتر انگلیس پس از ۲۰ سال، به رستخیزی باشکوه دست یافته بود، به بوداپست آمده بود تا آخرین و بزرگ‌ترین طلسم تاریخ خود را بشکند. شاگردان میکل آرتتا هرچه در توان داشتند در زمین پیاده کردند، آنها جنگیدند، گل زدند، دویدند و تا آستانه فتح جام پیش رفتند. اما فوتبال، گاهی بی‌رحم‌ترین نمایش‌نامه جهان است.

وقتی کار به ضربات پاریس کشید، سایه سنگین تاریخ روی سلسله‌های خسته بازیکنان آرسنال سنگینی کرد. صدای برخورد توپ با تور دروازه در آخرین پانتهای پاریس، همچون شلیک یک گلوله در سکوت مرگبار سکوهای هواداران آرسنال پیچید. از دست رفتن پانتهای آنها، تنها از دست رفتن یک جام نبود؛ بیداری دوباره اشباح فینال ۲۰۰۶ بود. سال‌ها قبل در پاریس، اخراج ینس لمان و گل‌های دیر هنگام بارسلونا، قلب تپنده آرسنال و آرسن ونگر را شکست و رویای قهرمانی اروپا را به یک حسرت ابدی تبدیل کرد. این هفته بوداپست، آن حسرت کهنه‌دوباره سر باز کرد و زخمی عمیق‌تر بر جای گذاشت. دیدن چهره در هم‌شکسته آرتتا و اشک‌های بازیکنان جوان آرسنال که روی چمن پوشاکش آرنه افتاده بودند، تصویری بود که قلب هر فوتبال‌دوستی را به درد می‌آورد. آنها تیمی شایسته بودند، اما لیگ

قهرمانان تورنمنتی است که شایستگی در آن همیشه ضامن موفقیت نیست؛ اینجا جایی است که تاریخ، وزن خود را به تیم‌ها تحمیل می‌کند. تقابل شنبه‌شب، فراتر از یک مسابقه فوتبال، یک تضاد کامل از احساسات انسانی



بود. در یک سو، بلوغ تیمی که یاد گرفته است چگونه در بحرانی‌ترین لحظات، آرامش خود را حفظ کند و در سوی دیگر، تیمی که هنوز زیر فشار روانی بزرگ‌ترین استیج اروپا شکننده نشان می‌دهد. ضربات پاریس، بی‌رحم‌ترین تراژدی عدالت در فوتبال است؛ تراژویی که این هفته کفه آن به نفع تجربه و ذهنیت برنده پاریسی‌ها سنگینی کرد. فوتبال در این سطح، دیگر تنها بازی با توپ نیست؛ جنگ روان‌ها، نبرد ذهن‌ها و تقابل مستقیم اراده‌هاست. جایی که تاکتیک‌ها در برابر اضطراب محض رنگ می‌بازند و تنها کسبانی زنده می‌مانند که قلب یخی در سینه داشته باشند.

لوئیس انریکه با این قهرمانی، نام خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تئوریسین‌های تاریخ مدرن فوتبال تثبیت کرد و نشان داد فرمول موفقیت در اروپا را بهتر از هر کسی می‌اند.

در مقابل، آرتتا اگرچه باید با کوله‌باری از غم و حسرت به لندن بازگردد، اما تیمی که او ساخته است، نشان از یک آینده روشن دارد و قطعا در

وقتی کار به ضربات پاریس کشید، سایه سنگین تاریخ روی ساق‌های خسته بازیکنان آرسنال سنگینی کرد. صدای برخورد توپ با تور دروازه در آخرین پانتهای پاریس، همچون شلیک یک گلوله در سکوت مرگبار سکوهای هواداران آرسنال پیچید. از دست رفتن پانتهای آنها، تنها از دست رفتن یک جام نبود؛ بیداری دوباره اشباح فینال ۲۰۰۶ بود

دانشگاه صنعتی شاهرود در آینه خبر

تقدیر ویژه از پژوهشگر دانش آموخته دانشگاه صنعتی شاهرود در رقابت معتبر جایزه کروپینسکی



استخراج معدن دانشگاه صنعتی شاهرود، رساله دکتری خود را در خردادماه ۱۴۰۳ به راهنمایی دکتر عطایی و با درجه عالی دفاع کرده است.

در متن این تقدیرنامه، به نقش مؤثر و مستمر دکتر پوراسماعیلی در حوزه‌هایی همچون توسعه پایدار در معدن، مدیریت استراتژیک، انرژی‌های تجدیدپذیر، ارزیابی چرخه عمر و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اشاره شده و آثار علمی ایشان به‌عنوان پژوهش‌هایی عمیق، منسجم و منطبق با چالش‌های روز صنعت معدن مورد تحسین قرار گرفته است.

گفتنی است «جایزه کروپینسکی» یکی از معتبرترین جوایز علمی - بین‌المللی حوزه معدن در جهان به شمار می‌رود که با هدف شناسایی، حمایت و معرفی پژوهشگران جوان معدن به جامعه جهانی، در بیست‌وهفتمین کنگره جهانی معدن ۲۰۲۶ در کشور پرو اعطا شده است.

بر اساس نامه رسمی صادره از سوی کمیته بین‌المللی برگزاری کنگره جهانی معدن (World Mining Congress)، دکتر مهدی پوراسماعیلی، پژوهشگر دانش آموخته دانشگاه صنعتی شاهرود، به دلیل نقش مؤثر سابق پژوهشی خود در حوزه معدن، مورد تقدیر ویژه زیر کمیته «جایزه کروپینسکی» (Krupiński Award) قرار گرفت. این موفقیت در حالی حاصل شد که تنها یک نفر به‌عنوان برنده اصلی انتخاب می‌شود و اعطای تقدیر ویژه، نشان‌دهنده جایگاه ممتاز علمی و رقابتی این پژوهشگر ایرانی در سطح بین‌المللی است.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه صنعتی شاهرود، دکتر مهدی پوراسماعیلی، دانش آموخته دکتری

نمایه شدن مجله دانشکده مهندسی مکانیک در پایگاه معتبر بین‌المللی Scopus

مجله Renewable Energy Research and Applications (RERA) دانشگاه به مدیریت مسئولی دکتر محمدحسین احمدی در پایگاه معتبر بین‌المللی Scopus در اسفند ماه سال ۱۴۰۴ با انجام یک کار گروهی دقیق و کامل در این پایگاه معتبر به صورت رسمی نمایه شد.

لازم به ذکر است، از کلیه شماره‌های چاپ شده ۴، شماره اخیر در آن پایگاه نمایه شده است. ضمناً در ارزیابی‌های وزارت علوم این مجله در چارک بین‌المللی قرار دارد. پیشتر این مجله موفق به اخذ نمایه EWOS شده بود.

روابط عمومی دانشگاه اخذ این نمایه بین‌المللی را به جامعه علمی دانشگاهی شاهرود تبریک عرض می‌نماید.

